

عوامزدگی و پوپولیزم

وسعت و گسترده‌گی رسانه‌ها اگر از جهاتی زمینه حضور و توسعه پدیده‌های مثبت، مترقی و آموزنده را فراهم می‌کند، از سوی فرصت‌های نامحدود و نگران‌کننده‌ای را نیز در برابر ما قرار داده است که بعضاً اثرات وخیم تخریبی این فرصت‌ها خیلی جدی محاسبه و سنجش می‌شود، چه در خلال آن، شیوه‌ها و طریقه‌های باطل و گمراه‌کننده‌ای رواج پیدا کرده و اعتبار می‌یابند و این شیوه‌ها شیوع می‌زنند و خلق الله را به طریقه‌های ارزیابی نامطمئن و غیر علمی معتاد می‌سازند، که اگر این شیوه‌ها و رویه‌ها به موقع و به صورت لازم به مردم معرفی و شناسانده نشوند، دامنه آسیب‌های آنها خیلی وسیعتر از آن خواهد بود که حین پیش‌بینی محاسبه گردیده بود.

یکی از این شیوه‌های غیر مفید و نامطمئن شیوه ارزیابی "عوامزدگی" است، که در لاتین معادل تقریبی آن اصطلاح "پوپولیزم" است، گرچه عوامزدگی و پوپولیزم دارای عین مفهوم نه خواهند بود اما رابطه نزدیک موضوعی را حائز می‌باشند

از پوپولیزم معانی و تعابیر بعضاً متفاوت ارائه کرده اند، اما در مفهوم اصلی اولی آن میتوان گفت پوپولیزم نوعی شیوه و رفتار است که دارای انسجام علمی و منظم نباشد و بیشتر به رویت سنجش‌های عملی و پراتیک خود بخودی و بدون پلان و پروگرام پدید آمده و بر پایه کدام اصل و ضابطه علمی متکی نباشد. این شیوه هر از گاهی بوسیله گروه‌ها و افراد یا مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا ناخواسته در پندارها و رفتارهای گروه‌ها و اشخاص جا گرفته و نقش خود را یا مثبت و یا منفی در رفتارهای گروه‌ها به جا می‌گذارد

ریشه کلمه "پوپولیزم" از اسم "پوپول" یا مردم می‌آید. از نگاه تاریخی، پوپولیزم به حرکتی بنام "ناردنیک‌ها" اطلاق می‌گردد که در اواخر قرن 19 در روسیه بر علیه تزاریزم در مبارزه بودند و در این راه با مردم و به این منظور با گروه‌های دهقانی رابطه برقرار کرده و به آنها اتکا می‌نمودند، گروه نامبرده به سازماندهی و انسجام حزبی که فرآورده "نخبگان" (روشنفکران و دانشمندان) تلقی می‌شد، باور نداشتند.

ساحه کاربرد و استفاده پوپولیزم وسیع است؛ بعضاً دولت‌ها برای مشروع نشان دادن و "مردمی‌انمودن" خود و پروژه‌های شان با تبلیغات و لحن عوامانه به فریب و اغوای مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مردم را به دنبال خودشان بکشانند و به این صورت جنبش‌های مثلاً جامعه مدنی را سیمای غیر مردمی داده و پله مردمی بودن خود را نسبت به آن جنبش‌ها سنگین‌تر جلوه دهد.

لازم است یک اصطلاح دیگر را که قریب به کلمه "عوامزدگی" است، از آن، تفکیک کرد، آن اصطلاح « فرهنگ عامیانه» است که مشمول هنر، ادبیات اصیل مردم می‌گردد و حاوی هنر، لغات، اصطلاحات، اشعار، داستان‌ها و سایر پدیده‌های هنری و عاطفی مردمی می‌باشد که علی‌الرغم تنوع و گسترده‌گی آن برای شناخت و تشخیص خود حائز موازین و قواعد معین می‌باشند که بخش عمده و اساسی ثروت‌های فرهنگی مردم را تشکیل می‌دهند بنابراین این اصطلاح اخیر هیچگونه رابطه و تعلق به آنچه که ما عوامزدگی می‌نامیم، ندارد.

در قلمرو سیاست "پوپولیزم" سیمای ایدئولوژی و یا خصایل بعضی از گرایش‌های سیاسی را ترسیم میکند که عامه را بر علیه "نخبگان" قرار می‌دهد، گروه‌ها و یا دولت‌های که در معرض اتهامات متخصصان، دانشمندان و اصطلاحاً "نخبگان" قرار می‌گیرند، از رفتار پوپولیستی مردم بر علیه همین گروه‌ها استفاده کرده و شعارها، استدلال‌ها، طرح‌ها و اهداف پوپولیستی که عام فهم و سطحی‌اند و ریشه و بنیادی ندارند، آنرا به خورد عامه می‌دهند تا عامه را به جان نخبگان بیاندازند و سعی می‌کنند تا عامه را از دانشوران و علما به دور نگهدارند و آنان را حتی بر علیه این نخبگان به شور آورند،

"ماکیاویلی" که سخت حاکمیت محور بود، در تحت نام پوپولیزم، با دید افراطی و قاطع هرگونه نهضت مردم‌مدار را رد میکرد.

گاهی برخی از تمایلات، پوپولیزم را به خود مردم (توده‌ها و عامه مردم) نسبت میدهند تا به این صورت هر نهضت مردمی را ناخواستی بنمایانند، در حالیکه پوپولیزم یک نوع رفتار و شیوه ارزیابی و عمل است که بعضاً منبعه بروز آن خوش باوری و سطحی‌نگری تشخیص می‌گردد،

از جانب دیگر پوپولیزم بعضاً در هیأت تمایل مردم گرایانه نیز تبارز میکند که در جنبش‌های سرتاسری بدون رهبری حزبی و سازمانی تحرک می‌یابند و خود، خواسته‌ها و مقاصد عمومی را شعار خود قرار میدهند و به این ترتیب حکومت را تحت فشار می‌گیرند تا قدرتمندان به خواسته‌های عامه تن در دهند.

پوپولیزم را به آن شیوه و رفتار می‌توان اطلاق نمود که گروهی یا دولتی به صورت عوافریبانه، به طور سراسری، سطحی و بی‌ریشه صرف برای جلب عوام و تخطئه گروه‌های رقیب، با لحن عامه و زبان عامه، به شکلی که باعث اغفال و فریب مردم گردد، عامه را در مسیر مورد علاقه خود قرار بدهد، در حالیکه متعهد به تحقق اهداف معینه‌شده و از این اقدام کدام نفعی به مردم نصیب نگردد.

پوپولیزم شیوه مورد استفاده فاشیست ها و نازیست ها در جنگ جهانی دوم نیز بوده است، گروه های افراطی، جهت تحقق اهداف ایشان معمولاً به استفاده از پوپولیزم مبادرت می ورزند؛ پوپولیزم ها نوع معمول اجرای دموکراسی را نا کافی دانسته و خواهان دموکراسی مستقیم مردمی می گردند اما بعد از بدست آوردن قدرت نوعی قدرتمنداری را پیشه کرده و نظام خویش را تکرو و مطلق العنان می سازند.

همین حالا در کامپاین های انتخابات کشور های پیشرفته پوپولیزم ابزار مهم برد و باخت جناح های درگیر در آن رقابت هاست. ولی بیشترین کاربرد پوپولیزم نزد ناسیونالیست های افراطی، تبارگرا ها، ایدولوژیست های مختلف، سکتاریست ها (به شمول گرایش های منطقی) است که به مولفه های بی پایه و بی اساس با استفاده از هیجانات وابستگی های فرهنگی گروه های اجتماعی، عامه را به دنبال نیات خویش می کشانند و تلاش می ورزند تا هر طرحی خود ساخته خویش را، ماهیت قومی، گروهی، به اصطلاح ملی و... بدهند تا عامه به اعتبار آن، مشی پیشنهادی گروه را بپذیرند. به همین جهت است که پوپولیزم را غالباً یک جریان و رفتار عقبگرا یا ارتجاعی معرفی میکنند، پوپولیزم واقعاً هم در نقش های اخیر که تذکر داده شد به هیچ صورتی ماهیت مترقی ندارد.

و اما عوامزدگی: این اصطلاح به شیوه و رفتاری اطلاق خواهد شد که گروه ها و افراد معینی آگاهی ها و شناخت های ناظر بر راه حل های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را به خورد مردم بدهد که هیچگونه بنیاد علمی، مسلکی، تحقیقی نداشته و صرف به خاطر کسب شهرت، جلب و جذب افراد به یک مشی معین و یا کسب لقمه نانی برون داده می شود. در این راه با مهارت های عوامفریبانه و به عاریت گرفتن از حوادث روزمره و توجیحات خود ساخته، به مدلل ساختن نقطه نظر های خویش می پردازند.

این وضع هم نگران کننده است که بعضاً چنین "ارشاداتی!" از آدرس یک "خبره!"، خبره ای که هرگز روی تحصیل تخصصی همان رشته را ندیده است، به عمل آورده می شود عوامزدگی به این تعبیر به تمام محصولاتی که رنگ و روی عوام را بر آن میزنند، ولی محصول متذکره نه حاصل فهم و درک مسلکی و علمی و نه به استناد اصول و قواعد کدام رشته ای از علوم می باشد و نه میتود و طرز استدلال و تحلیل تخصصی یک رشته و شق را با خود دارد و نه هم دستاورد یک کار تحقیقی دقیق و ژرف عالمانه می باشد.

این دسته از مؤلفه های عوامزده به علت اینکه مجهز به طرز بیان ساده، خوشباورانه و سطحی بوده و زیاد قابل فهم سهل می باشد، زود در میان مردم جا باز می کند و قابل جذب آسان می باشد. یکی از اسباب وفرت کمی هواخواهان افراطی ها در میان مردم همین عنصر سادگی و سطحی بودن تبلیغات گروه های ملیس به شیوه عوامزده خواهد بود. در حالیکه در عمل تحقق اهداف عوامزده ها معمولاً و منطقیاً برای عوام فاجعه بار بوده است، دیروز ها اگر بروی تصادف کدام طرحی از عوامزدگی درست از آب بر می آمد، در زمان کنونی که همه زمینه ها بر اصول و معادلات علمی و فنی عیار می باشند، عوامزدگی نمی تواند حد اقل چانس برای پیش بینی های سطحی و بی ریشه اش را داشته باشد.

در اصول مطابق به رعایت "حق آزادی عقیده و بیان" هر انسان حق دارد آنچه را که می اندیشد و فکر می کند به بیان بیاورد، ولی امری که در این زمینه مطرح می شود، تثبیت درجه اهمیت بیانات و نظرات ارائه شده، با در نظر داشت کیفیت آن است که چقدر پایه و اساس علمی و تخصصی دارد و منبعه نظر حائز صلاحیت لازم علمی و تخصصی در باب موضوع مطروحه است و یا نه؟ درست رعایت همین میتود خواهد بود که نظرات خبره و معتبر را از نظرات کاملاً شخصی و استنباطات آفاقی تفکیک خواهد نمود. این روش نه تنها در مسائل رفتار های عوامزده بلکه در بسیاری عرصه ها، معتبر و محک دانسته می شود.

شناساندن و معرفی عوامزدگی برای مردم از این جهت مفید است که مردم را در برابر تبلیغات و بیانات عوامزده تا حدودی مصون می سازد و اثر پذیری افراد را در برابر همچو تبلیغات عوامفریبانه کم ساخته تقلیل می بخشد، شیوع انبوه تمایلات قومی، گروهی، منطقی و... اگر از یک سو محصول مافیای متنوع اقتصادی و فساد است، توجیه آن با ابزار های عوامزده به عمل آورده می شود، شیوه عوامزده با حیل سعی میکند ذریعه منطقی سهل و با زبان عامه نیاتش را به مردم مشروع و منطقی جلوه بدهد، آنچه را برای خود مضر میدانند، با عوامزدگی دشمن معرفی کند و آنچه را که برای خود مفید میدانند، خواستنی و مناسب تشخیص دهد.

اگر مردم واقعاً به باور شیوه های عوامزده بنشینند، همانانی که با عوامزدگی مردم را اغوا کرده اند، در اخیر کار دست بلند خواهند داشت و به جای منافع عمومی به دنبال منفعت های گروهی و شخصی خود خواهند رفت. آسیب دیگری که عوامزدگی و شیوع آن به دنبال خواهد داشت گرم شدن بازار حرافان ماهر در تبلیغ زبان عامه و استدلال ساده لوحانه و سطحی آنان خواهد بود، این قماش هم در حوزه مؤلفه های نوشتاری و نیز در حوزه بیانات شفاهی حضور خواهند یافت و صاحب شهرت و منزلتی خواهند شد.

عوامزدگی مجال آنرا مساعد می سازد تا افکار و استنباطات شخصی و فاقد محاسبات و ارزیابی های علمی رواج پیدا کنند، نظرات و توجیحات عوامزده و بی پایه و خود پرداخته فرصت حضور یافته و مردم به آن معتاد گردند و بناءً همه بپندارند که قادر و صالح به ارائه چنین طرح های هستند، چنین وضعیتی امور و کار ها را در یک انارشی ایده های ناجور غیر عملی و بی نتیجه قرار خواهد داد که هیچ ثمری از تطبیق آن ایده های عوامزده به دست نه خواهد آمد.

فاجعه آمیز اینکه "طرح" های عوامزده آهسته آهسته برای خود اعتباری دست و پا خواهند کرد، و معتبر شدن این "ارشادات!" خلق الله را به کج راه ها خواهند کشانید و مخلوق خدا در کج راه های عوامزدگی سرگردان و نالان خواهند شد.

فاجعه دیگری که شیوع عوامزدگی با خود خواهد آورد، بی اعتبار سازی و بی ارزش گردانی محصولات علمی- تخصصی است، مردم گمان خواهند کرد که مرجع اصلی دریافت راه حل ها نه علما و متخصصان بلکه، همانانی خواهند بود که به دلیل استدلالات عوامزده خود مرجعیت دانش و دانشمند را چپق زده اند و چه مصیبتی خواهد بود برای جامعه ای که به اثر فقدان کافی علم و معرفت در بادلاق بحرانات متعدد فرو رفته است یک بار دیگر علم و دانش مهربطلان بخورد که خداوند ج چنین نه کند.

پایان

مأخذ:

1- Le dictionnaire de politique

2- Etymologie du latin

3- فرهنگ اندیشه نو

4- فرهنگ خاص اصطلاحات

5- و یادداشت های پراکنده